

بررسی و توصیف واژه‌بستهای ضمیری در گویش بهبهانی

زهرا حامدی شیروان^۱، شهلا شریفی^{۲*}، محمود الیاسی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۳. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

دریافت: ۹۴/۲/۱۳ پذیرش: ۹۴/۵/۱۸

چکیده

در این مقاله، واژه‌بستهای ضمیری در گویش بهبهانی و نقش آن‌ها در گروه و جمله را بررسی می‌کنیم. واژه‌بستهای ضمیری در گویش بهبهانی چهار نقش فاعلی، مفعولی صریح، مفعولی غیرصریح و اضافی دارند. در این مقاله، نشان می‌دهیم که واژه‌بستهای فاعلی پانزده میزبان -ازنظر نقش دستوری- در این گویش دارند که بهتفصیل در این مقاله این موضوع را بررسی می‌کنیم. میزبان‌های واژه‌بستهای مفعولی صریح عبارت‌اند از پیشوند امری یا پیشوند فعل پیشوندی، جزء غیرفعلی فعل مرکب، پیشوند استمراری، فعل و پیشوند نeg. میزبان واژه‌بستهای مفعولی غیرصریح، مفعول صریح و پیشوند استمراری هستند. واژه‌بستهای اضافی نیز میزبان‌هایی از نوع فاعل، مفعول صریح و متمم دارند. ازنظر مقوله فعل، اسم، صفت، انواع ضمیر (شامل ضمایر شخصی، اشاری و مبهم)، واژه‌بست، حرف اضافه، ضمیر پرسشی، پسوند تصریغی جمع و حرف نشانه «را» بعنوان میزبان عمل می‌کنند. ازنظر جایگاه، تمایل غالب واژه‌بستهای این گویش به ظهور در جایگاه دوم، پس از اولین واژه یا پس از اولین سازه در بند است. یکی از تفاوت‌های اصلی و نقطه افتراق بین گویش بهبهانی و فارسی معاصر واژه‌بستهای فاعلی است. در فارسی معیار، عنصری با عنوان واژه‌بست فاعلی وجود ندارد؛ درحالی که در بهبهانی، نظامی غنی از این واژه‌بست‌ها با میزبان‌های متعدد وجود دارد.

واژگان کلیدی: واژه‌بست ضمیری، گویش بهبهانی، میزبان واژه‌بست، جایگاه واژه‌بست، گروه، جمله.

۱. مقدمه

زبان‌ها و گویش‌های هر کشور و منطقه، بخش مهم و ارزشمندی از میراث فرهنگی و معنوی آن به‌شمار می‌روند و حفظ و حفظ و حفظ از این میراث، تکلیفی بر عهده همگان است. سرعت انقراض و

نابودی زبان‌ها و گویش‌های محلی در مقایسه با زبان و گویش رسمی و معیار، به دلیل مهاجرت و تغییب نکردن خانواده‌ها به آموختن زبان مادری به کودکان بسیار بیشتر است (حسن‌دوست؛ ۱۳۸۹: ۹). متأسفانه با انقراض هر گویش، بسیاری از عقاید، آداب و رسوم و ادبیات، شامل افسانه‌ها، قصه‌ها، ضربالمثل‌ها و اشعار عامیانه نیز از بین می‌روند؛ زیرا گویش‌ها انتقال‌دهنده ارزش‌های فرهنگی، دینی، ملی، قومی، خانوادگی، سیاسی و تاریخی هستند و در شکل‌دهی به هویت و جهان‌بینی افراد، نقش بسیار مهمی دارند.

بسیاری از زبان‌ها و گویش‌های موجود در دنیا در معرض خطر انقراض قرار دارند و زبان‌ها و گویش‌های ایران نیز از این مسئله مستثنی نیستند. بنابراین، یکی از مهم‌ترین وظیفه‌های زبان‌شناسان و متخصصان در این حوزه، مستندسازی، جمع‌آوری و تحلیل گویش‌های مختلف است. در این پژوهش، نظام واژه‌بست‌های ضمیری در یکی از گویش‌های فارسی، یعنی گویش بهبهانی را بررسی کردایم.

گویش بهبهانی یکی از گویش‌های جنوب غربی زبان فارسی است که در شهرستان بهبهان، واقع در جنوب شرقی استان خوزستان و در جنوب غربی ایران، رواج دارد. مطابق آمارگیری سال ۱۳۸۵، جمعیت این شهرستان حدود ۳۷۲/۱۷۵ نفر بوده است (معماری، ۹: ۱۳۸۹). این گویش از نظر واژگان و برخی ساختهای دستوری، از جمله نظام ضمایر شخصی پیوسته، با فارسی معیار تفاوت محسوسی دارد. این گویش علاوه‌بر ضمایر شخصی آزاد، دارای نظامی از ضمایر واژه‌بستی است که با فارسی معاصر تفاوت‌هایی دارند. در این پژوهش، واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی را بررسی می‌کنیم. سوالات‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی به چند گروه تقسیم می‌شوند؟
۲. میزان واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی چه عناصری هستند؟
۳. نقش یا نقش‌های واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی چیست؟
۴. جایگاه واژه‌بست‌های ضمیری در این گویش چگونه است؟
۵. نظام واژه‌بستی گویش بهبهانی چه تفاوتی با فارسی معیار دارد؟

۲. پیشینهٔ پژوهش

در چند دهه اخیر، پژوهشگران و زبان‌شناسانی درباره واژه‌بست‌ها به طور کلی و واژه‌بست‌های ضمیری به طور ویژه در زبان‌ها و گویش‌های مختلف، مطالعات و بررسی‌های نسبتاً مفصلی انجام داده‌اند 1983; Klavans; Zwicky, 1985; Anderson, 2004 2005; Zwicky & Pullum, 1985. ایران نیز در یکی دو دهه اخیر، کارهایی در این زمینه انجام شده است که در این بخش، به اختصار

مرتبطترین آن‌ها با موضوع این مقاله را معرفی می‌کنیم. در پایان، پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه گویش بهبهانی را معرفی می‌کنیم.

راسخ‌مهند (۱۳۹۱) در مقاله «واژه‌بستهای ضمیری در گویش رایجی آران و بیدگل»، توزیع و نقش‌های مختلف واژه‌بستهای را در این گویش که از زبان‌های ایرانی نوی شمال غربی است، بررسی کرده و مقایسه‌ای هم با کاربرد این واژه‌بستهای دیگر از زبان‌های ایرانی انجام داده است. از نتایج این پژوهش این است که این پی‌بستهای رایجی در نقش نشانهٔ فاعل متعددی در زمان گذشته، ضمیر ملکی، مفعول مستقیم و غیرمستقیم و متمم حروف اضافه به کار می‌روند. در رایجی، این واژه‌بستهای دیگر در جایگاه واکرناکل به کار نمی‌روند و از این حیث، با زبان‌های ایرانی باستان و میانه تفاوت دارند. این پی‌بستهای رایجی در اشاره به فاعل منطقی جمله در زمان گذشته، به صورت شناور می‌توانند به سازه‌های مختلفی قبل از فعل اضافه شوند. این واژه‌بستهای رایجی، به هستهٔ خود اضافه می‌شوند.

راسخ‌مهند (۱۳۸۸) در مقاله «نگاهی رده‌شناختی به پی‌بستهای ضمیری در زبان تاتی»، توزیع و نقش‌های مختلف پی‌بستهای ضمیری در زبان تاتی را بررسی کرده است. با بررسی داده‌ها، مشخص شد که این پی‌بستهای رایجی در تاتی جنوبی در نقش نشانهٔ فاعل متعددی در زمان گذشته، نشانهٔ مفعول مستقیم و نشانهٔ نقش اضافی به کار می‌روند. ضمایر پی‌بستی در تاتی جنوبی در نقش نشانهٔ فاعل متعددی در زمان گذشته، در جایگاه واکرناکل ظاهر می‌شوند و از این نظر، با فارسی میانه مشترک هستند. این پی‌بستهای رایجی در نقش نشانهٔ مفعول در تاتی جنوبی، از جایگاه واکرناکل خارج شده‌اند؛ ولی هنوز کاملاً به جایگاه پس از فعل نرفته‌اند و در جایگاه سازهٔ قبل از فعل قرار می‌گیرند. از این نظر، این پی‌بستهای رایجی میانه، به سوی انتهای جمله حرکت کرده‌اند؛ هرچند هنوز به جایگاه انتهایی نرفته‌اند.

واحدی لنگرودی و ممسنی (۱۳۸۳) در مقاله «بررسی پی‌بستهای ضمیری در گویش دلواری»، بیان می‌کنند که پی‌بستهای ضمیری در این گویش چهار نقش فاعلی، مفعولی صریح، مفعولی غیرصریح و ملکی را ایفا می‌کنند. پی‌بستهای فاعلی در جملات متعددی زمان گذشته می‌آیند و اغلب به انتهای گروه‌های اسمی یا به عناصر درون گروه فعلی متصل می‌شوند؛ درحالی که پی‌بستهای مفعولی (صریح و غیرصریح) موضوع‌های فعلی هستند که معادلهای کامل آن‌ها نیز در همان نقش می‌توانند ظاهر شوند و به گروه حرف اضافه‌ای و گروه فعلی متصل شوند. پی‌بستهای ملکی نیز به مضایف در یک گروه اسمی متصل می‌شوند.

پورابراهیم (۱۳۹۲) در مقاله «مطالعهٔ تطبیقی واژه‌بستهای ضمیری در گویش‌های دلواری و دشتی»، بیان می‌کند که ضمایر واژه‌بستی در این گویش‌ها در نقش‌های فاعلی، مفعولی صریح، مفعولی

غیرصریح و ملکی ظاهر می‌شوند. همچنین، واژه‌بستهای فاعلی که به عنوان عناصر مطابقه در جمله عمل می‌کنند، در گویش دلواری از نوع پس‌واژه‌بست هستند و به انتهای ستاک فعل متصل می‌شوند؛ در حالی که در گویش دشتی، از نوع پیش‌واژه‌بستی هستند. سایر ضمایر واژه‌بستی در هردو گویش، پس‌واژه‌بستی هستند.

کریمی (۱۳۹۱) در پژوهشی، رقابت واژه‌بست و وند در نظام کُنایی زبان‌های ایرانی را بررسی و دو الگوی رایج را در ساخت کُنایی زبان‌های ایرانی برپایه برنامه کینه‌گرا بیان کرده است. در الگوی اول، در بندهای متعددی، فاعل حالت‌نمای کُنایی/غیرفاعلی و مفعول حالت فاعلی می‌پذیرد. در این الگو، فعل متعددی در مطابقه کامل با مفعول قرار دارد. در الگوی دوم، فاعل متعددی حالت‌نمای کُنایی ندارد؛ بلکه به وسیله یک واژه‌بست غیرفاعلی مضاعف‌سازی می‌شود. در این الگو، فعل با مفعول مطابقه ندارد و شکل پیش‌فرض (وند/شناسه سوم شخص مفرد) می‌پذیرد. به این ترتیب، در ساختهای کُنایی زبان‌های ایرانی، از لحاظ توصیفی، واژه‌بست و وند/شناسه در توزیع تکمیلی قرار دارند. کریمی استدلال می‌کند که مطابقه فعل با مفعول در الگوی اول، حاصل تطابق هسته زمان با مفعول است؛ در حالی که نبود مطابقه در الگوی دوم، به دلیل ایجاد تداخل ناقص واژه‌بست در ایجاد تطابق بین هسته زمان و مفعول است.

بدیعی و رحیمی (۱۳۹۲) در پژوهشی، پی‌بستهای ضمیری در گویش جرقویه، از توابع اصفهان را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که پی‌بستهای ضمیری در این گویش، جایگاه‌های فاعل منطقی، مفعول صریح و اضافی را در جمله پر می‌کنند. این عناصر در جملات متعددی زمان گذشته به مفعول یا به پیشوند زمان گذشته اضافه می‌شوند. پی‌بستهای فاعلی جملات متعددی زمان حال و گذشته افعال لازم به صورت شناسه‌های فعلی به ستاک فعلی می‌چسبند. پی‌بستهای مفعولی نیز به برخی از ساختهای متعددی، ساختهای شبهمجهول و مضارع التزامی متصل می‌شوند.

ایزدی‌فر (۱۳۹۲) در پژوهشی، جایگاه و نقش پی‌بستهای ضمیری در تاتی تاکستانی را بررسی و توصیف کرده است. این پی‌بستهای در تاتی تاکستانی، در اشاره به فاعل منطقی جملهٔ حاوی ستاک گذشته، به اتصال به مفعول مستقیم و یا فعل جمله و در نبود مفعول مستقیم، به مفعول غیرمستقیم گرایش دارند و از این‌رو، علاوه‌بر اشاره به فاعل منطقی جمله، نشان می‌دهند که کدامیک از عناصر جمله مفعول هستند.

پژوهشگران خارجی نیز به واژه‌بستهای ضمیری در گویش‌های فارسی علاقه نشان داده‌اند. هیگ و نعمتی (۲۰۱۲) در مقاله‌ای، ضمایر واژه‌بستی در دلواری را بررسی و بیان کرده‌اند که ضمایر واژه‌بستی در دلواری به زمان^۱ حساس هستند که این خاصیت در ایرانی میانه نیز وجود داشته است. در این گویش، در بندهای متعددی گذشته، مطابقه فعل با عامل ازطريق ضمایر واژه‌بستی انجام

می‌شود و هیچ وند تصریفی وجود ندارد که شخص یا شمار را در فعل نشان دهد. این واژه‌بستهای عاملی^۳ اجباری هستند. آن‌ها نشان دادند که این عناصر میزبان‌های متفاوتی نیز دارند؛ برای مثال، در جملات پرسشی به واژهٔ پرسشی متصل می‌شوند. همچنین، این واژه‌بستهای به جانداری یا بی‌جانی نیز حساس هستند.

کورن (۲۰۰۹) اشتقاق واژه‌بستهای ضمیری در ایرانی غربی معاصر را به‌طور کلی بررسی کرده است. بحث اصلی او در این نوشتار این است که برخلاف این فرضیه رایج که همهٔ واژه‌بستهای از واژه‌بستهای ضمیری ملکی/مفعولی غیرصریح^۴ ایرانی باستان مشتق شده‌اند، این امکان نیز وجود دارد که برخی از واژه‌بستهای در گویش‌های ایرانی غربی معاصر، از صورت‌های مفعولی ایرانی باستان مشتق شده باشند.

سبزعلی‌پور و ایزدی‌فر (۱۳۹۳) در مقاله‌ای، نظام حالت‌نمایی در گونهٔ دروی زبان تاتی را بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند که حالت‌نمایی در تاتی دروی، برای نشان دادن نقش نحوی همهٔ گروه‌های اسمی، از جمله اسم‌های خاص، اسم‌های عام، ضمایر شخصی و ملکی و اسم‌های اشاره به روابط خانوادگی، به‌کار می‌رود. همچنین، بیان کردند که این گونهٔ تاتی هنوز نظام حالت‌نمایی دوره‌های پیشین زبان‌های ایرانی را بسیار حفظ کرده است. آن‌ها با بررسی ساختار جملات دارای زمان‌های مختلف در این گونهٔ زبانی، نتیجه گرفتند که گونهٔ دروی به‌اندازهٔ زیادی از هجوم زبان‌های دیگر در امان مانده و بسیاری از ویژگی‌های کهن زبان‌های ایرانی، از جمله نظام حالت‌نمایی متمایز براساس زمان دستوری فعل را حفظ کرده است و از نظام حالت‌نمایی کنایی گستتهٔ زمان‌محور برای نشان دادن نقش نحوی درون جمله بهره می‌برد. همان‌طور که در بخش واژه‌بستهای ضمیری در بهبهانی خواهیم دید، کاربرد واژه‌بستهای نیز به‌بهبهانی زیادی زمان‌محور است.

گرامی (۱۳۸۵) در مقاله «توصیف دستگاه فعل در گویش بهبهانی» بعد از بیان آواشناسی و برخی مشخصه‌های آوایی این گویش، دستگاه فعل و نقش و جایگاه قرار گرفتن شناسه‌های فعلی، ضمایر پیوستهٔ شخصی و روابط آن‌ها در این گویش را توصیف کرده است. وی در این مقاله، بیان می‌کند که لازم یا متعدي بودن افعال در زمان‌های حال و گذشته، دو الگوی متفاوت دستوری را برای صرف افعال از لحاظ شناسه‌های فعلی، وندها یا ضمایر شخصی پیوسته و حتی ضمایر فاعلی جدا نشان می‌دهد. در الگوی اول، افعال لازم (حال و گذشته) و افعال متعدي (زمان حال) الگوی دستوری مشترکی از نظر صرف افعال دارند. در الگوی دوم که شامل افعال متعدي در زمان گذشته می‌شود، شناسه‌ها، ضمایر شخصی پیوسته و ضمایر فاعلی جدای ویژه‌ای به‌کار می‌روند. گرامی در پایان نتیجه می‌گیرد که گویش بهبهانی دارای مخلوطی از نظام حالت‌نمایی خنثی و ارگتیو مطلق است.

گفتنی است که او صورت‌هایی چون $Te=t$ ، $Me=m$ و ... را به عنوان ضمایر فاعلی جدا در نظر گرفته است؛ در صورتی که این‌ها ترکیبی از ضمایر فاعلی جدا و واژه‌بست‌ها در نقش فاعل و کاملاً تجزیه-پذیر هستند و این تعبیر درست نیست.

راستی بهبهانی در کتاب گویش بهبهانی دستور صرفی، واژگان معمول، گویش بهبهانی را معرفی و بررسی کرده است. وی در این کتاب هفت فصلی، پس از اینکه گفتارهایی مقدماتی درمورد گویش، لهجه و دستور را بیان می‌کند، فعل و اجزای آن، اسم و گروه اسمی، ضمیر، صفت، قید، شبه-جمله، حرف اضافه و واژگان معمول این گویش را معرفی می‌نماید (راستی بهبهانی، ۱۳۸۸-۲۱). وی همچنین درمقاله «بهبهانی، گویش یا لهجه؟ بررسی ساختار صرفی فعل در زبان محلی بهبهانی»، سعی کرده است با بررسی زبان‌شناختی گونه محلی بهبهانی، مشخص کند که این گونه گویش است یا لهجه. از جمله یافته‌های این پژوهش این است که ساختار اصلی جملات در این گونه کاملاً شبیه فارسی معیار است؛ اما در ساختار صرفی افعال برای زمان‌های مختلف، بین این گویش و زبان معیار تفاوت‌هایی دیده می‌شود. شناسه‌های افعال در این زبان، با توجه به لازم یا متعدد بودن، جایگاه خود را تغییر می‌دهند و حتی تعداد واکه‌ها و همخوان‌ها در بن فعل متغیر است؛ به همین دلیل، این گونه جزو زبان‌های ارگتیو می‌شود. نویسنده درپایان نتیجه می‌گیرد که طبق تعریف یول و فرامکین از گویش و یافته‌های این تحقیق، می‌توان گفت که بهبهانی گویشی از گویش‌های زبان فارسی محسوب می‌شود (راستی بهبهانی، ۱۳۹۱: ۶۱-۸۴).

گفتنی است که در این پژوهش‌ها، به واژه‌بست‌های ضمیری و به‌ویژه جایگاه‌های مختلف آن‌ها، نقش‌های دستوری آن‌ها و میزبان‌هایی که بر می‌گزینند، اشاره‌ای نشده است؛ بنابراین، پژوهش حاضر، این واژه‌بست‌ها را به‌طور دقیق و کامل بررسی می‌کنیم.

۳. چارچوب نظری پژوهش

واژه Clitic از لحاظ ریشه‌شناختی، از واژه یونانی *klinein*، به معنای تکیه دادن، گرفته شده است (Russi, 2008: 7) درباره اهمیت واژه‌بست‌ها، معتقد است با اینکه این عناصر زبانی کوچک هستند، آنقدر اهمیت دارند که افراد بسیاری براساس مطالعه آن‌ها، دکتری زبان‌شناسی گرفته‌اند.

دیکسون واژه‌بست‌ها را «عوامل دستوری می‌داند که خودشان تکیه‌بر نیستند و با یک واژه میزبان، یک واژه آوایی^۳ می‌سازند (این واژه میزبان باید تکیه‌بر باشد). واژه‌بست می‌تواند قبل از واژه میزبان بباید که در این صورت، آن یک پیش‌بست^۴ است و یا بعد از آن بباید که در این صورت، به آن پی‌بست^۵ می‌گویند» (Dixon, 2007: 574).

گفتنی است که همه این عوامل دستوری دو صورت دارند؛ یا تکیه بر هستند و یک واحد آوایی مجزا به شمار می‌روند یا در موقعیت‌های زیادی، تکیه ندارند و واژه‌های مجزا نیستند؛ بلکه واژه‌بست هستند. به سخن دیگر، همه عواملی که ممکن است واژه‌بست باشند، حتماً یک صورت غیرواژه‌بستی هم دارند (*Ibid*: 575). جایگاه واژه‌بستها و صورت آزاد آن‌ها یکی است و همیشه در حاشیه واژه‌ها پس از وندها ظاهر می‌شوند (*Ibid*: 595).

اسپنسر و لوئیس یکی از تفاوت‌های واژه‌بستها با وندها را این می‌دانند که یک وند به واژه‌ای از یک مقوله دستوری (یک اسم یا یک فعل) خاص متصل می‌شود؛ اما واژه‌بست به هر واژه‌ای که در کارش باشد (حتی ضمایر) متصل می‌شود. به سخن دیگر، واژه‌بست‌ها از آنجا که باید به یک میزبان متصل شوند، از نظر واجی مانند وندها عمل می‌کنند؛ اما از آنجا که به واژگانی از هر مقوله متصل می‌شوند، از نظر ساختواری مانند وندها رفتار نمی‌کنند (Spencer & Luis, 2011: 1-2).

گرلاچ می‌گوید واژه‌بست‌ها از نظر مقوله، معمولاً صورت‌های ضعیف عوامل نقشی^۷، مانند ضمایر، افعال کمکی، عوامل منفی‌ساز و واژه‌های پرسشی، هستند (Gerlach, 2002: 3).

زوئیکی و پولوم واژه‌بست‌ها را به دو دسته ساده و ویژه تقسیم کرده‌اند. واژه‌بست‌های ساده علاوه‌بر داشتن صورت تخفیف‌یافته و ساده‌شده، صورت واژگانی کاملی دارند؛ مانند واژه‌بست‌های ‘ve’ و ‘s’ در انگلیسی که مخفف have و is هستند. واژه‌بست‌های ویژه برخلاف واژه‌بست‌های ساده، صورت واژگانی کامل ندارند و فقط به صورت وابسته به واژه میزبان متصل می‌شوند؛ مانند واژه‌بست ملکی ‘s’ در زبان انگلیسی که فقط به همین صورت به کار می‌رود (Zwicky & Pullum, 1983: 503-504).

واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی بنابر تعریف بالا، جزو واژه‌بست‌های ساده می‌شوند؛ زیرا ضمایر شخصی جدا در این گویش صورت واژگانی کامل آن‌ها هستند و در توزیع تکمیلی با واژه‌بست‌ها قرار دارند.

ضمایر واژه‌بستی یکی از انواع مهم واژه‌بست‌ها هستند که در چند دهه اخیر، توجه زیادی به آن‌ها در زبان‌ها و گویش‌های مختلف شده است.

اندرسون معتقد است واژه‌بست‌های ضمیری را می‌توان ساخت و از نقشی گروه‌ها⁸ نامید. آن‌ها غالباً از جهات مختلف نیز با نشانه‌های مطابقه همانند می‌شوند (Anderson, 2005: 227).

واژه‌بست‌های ضمیری شامل واژه‌بست‌های فاعلی، مفعولی (صریح و غیرصریح) و اضافی (ملکی) می‌شوند.

اسپنسر با بررسی کارهای زبان‌شناسان قبلی درمورد واژه‌بست‌ها بیان می‌کند که زبان‌شناسان مکتب‌های زبانی مختلف مشاهده کرده‌اند که رفتار واژه‌بست‌ها نه کاملاً شبیه یک واژه مستقل است و نه مانند یک وند. این همان چیزی است که کلاوانز آن را «تابعیت دوگانه»⁹ می‌نامد. الگوهای توزیعی

واژه‌بست‌ها نیز بسیار متفاوت هستند. درحالی که برخی از آن‌ها به ظهور در جایگاه دوم تمایل زیادی دارند، ظهور برخی دیگر در حاشیه جمله منوع است و برخی نیز تمایل دارند که یک مقوله خاص را به عنوان میزبان برگزینند. حتی اصطلاح جایگاه دوم نیز ممکن است در زبان‌های مختلف، معنی و نمودهای گوناگونی داشته باشد. درمورد جایگاه واژه‌بست نیز برخی از زبان‌شناسان به دنبال دلایل دستوری و نحوی (از جمله اینکه ظهور واژه‌بست به مقوله واژه قبل از آن بستگی دارد) بودند و برخی دیگر هم بیان می‌کردند که جایگاه واژه‌بست به تعداد کلمات قبل از آن وابسته است (Spencer, 2012: 37-38).

نخستین‌بار، واکرناگل واژه‌بست‌های جایگاه دوم را مطرح کرد. او براساس بررسی رفتار واژه‌بست‌های یونان باستان بیان کرد که تمایل غالب آن‌ها به ظهور در جایگاه دوم، یعنی بعد از اولین واژه در بند، است. البته اسپنسر بیان می‌کند که این تلقی از جایگاه دوم توسط محققان بعدی تعمیم پیدا کرد و شامل جایگاه بعد از اولین گروه در بند نیز شد؛ زیرا ظهور واژه‌بست‌ها صرفاً بعد از اولین واژه در یک زبان خیلی نادر است، درصورتی که زبان‌هایی که هردو گزینه را دارند (بعد از اولین واژه یا گروه)، خیلی فراوان هستند. به این ترتیب، در کارهای اخیر، منظور از واژه‌بست، جایگاه واکرناگل واژه‌بستی است که یا بعد از اولین واژه می‌آید یا بعد از اولین گروه و این تعمیم یافته قانون اولیه واکرناگل است (Spencer, 2012: 39-41).

گفتنی است که هلپرن قرار گرفتن در جایگاه دوم بعد از اولین واژه را جایگاه 2W می‌نامد و بعد از اولین گروه را 2D یعنی جایگاه دختر یا سازه دوم می‌نامد (15: 1995). در واژه‌بست‌های فعل محور، جایگاه واژه‌بست به فعل اصلی وابسته است. برای نمونه، در بندهای زماندار (بندهایی که شامل فعل امر یا مصدری نیستند) زبان مقدونی^۱، واژه‌بست قبل از فعل اصلی یا فعل کمکی به صورت پیش‌واژه‌بست می‌آید و در بندهای امری یا مصدری، بعد از فعل و به صورت پس‌واژه‌بست (Spencer, 2012: 64-65).

منظور اسپنسر از واژه‌بست‌های دوگانه، مواردی است که یک عنصر ازنظر نحوی به یک سو وابسته است و ازنظر واجی به سوی دیگر. برای نمونه، در صورت‌های واژه‌بستی فعل کمکی در زبان انگلیسی، مانند Tom's a linguist, Tom's reading²، واژه‌بست فعل کمکی³ با فاعل یک واحد ساخت‌واژی-واجی را تشکیل می‌دهد؛ درحالی که ازنظر نحوی، این فعل کمکی با گروه فعلی یا گروه اسمی بعد از خود مرتبط است (Ibid: 66).

۴. روش تحقیق^{۱۱}

داده‌های این پژوهش را به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری کردیم. داده‌های میدانی که بخش اصلی داده‌ها را تشکیل می‌دهند، شامل مصاحبه با هفت گویشور^{۱۲} است که متولد بهبهان هستند و زبان مادری آن‌ها بهبهانی است. طیف سنی این گویشوران از ۲۷ تا ۷۹ سال است، تحصیلات آن‌ها از سوم راهنمایی تا دانشجوی دکتری است و مشاغل آزاد یا دولتی دارند. داده‌های کتابخانه‌ای را نیز از کتاب‌ها و مقالات موجود درباره این گویش و همچنین کتاب‌های شعر و ادبیات عامیانه که به این گویش نگارش شده بودند، جمع‌آوری کردیم. گفتنی است که در صورت استفاده از مثال‌های کتاب‌ها و مقالات، منبع دقیق با ذکر صفحه ذکر شده است و بقیه مثال‌ها از داده‌های مصاحبه‌ای هستند.

۵. نظام واژه‌بسته‌های ضمیری در گویش بهبهانی

نظام ضمایر واژه‌بستی یا واژه‌بسته‌های ضمیری در گویش بهبهانی با ضمایر شخصی جدا در این گویش کاملاً متفاوت است. آن‌ها از نظر نحوی با ضمایر شخصی فارسی معاصر کاملاً مطابقه دارند؛ اما از نظر صورت با فارسی معیار متفاوت هستند. ضمایر واژه‌بسته گویش بهبهانی به چهار گروه فاعلی، مفعولی مستقیم، مفعولی غیرمستقیم و اضافی تقسیم می‌شوند که به ترتیب هریک از آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

۱-۵. واژه‌بسته‌های فاعلی

واژه‌بسته‌های ضمیری در این گویش را در جدول زیر می‌بینیم. همان‌طور که در جدول مشخص است، برخی از این واژه‌بسته‌ها با توجه به بافت آوایی، بیش از یک تکوازگونه دارند. واژه‌بسته‌های فاعلی این گویش در صرف گذشته فعل خوردن، به صورت شناسه نشان داده شده‌اند. واژه‌بسته‌ها در صورت کاربرد فعل‌ها در جمله، به عناصر دیگر جمله متصل می‌شوند که درادامه، این عناصر را بررسی می‌کنیم. گفتنی است که این واژه‌بسته‌ها فقط در زمان گذشته به کار می‌روند و در جملات دارای فعل زمان حال، فقط به صورت شناسه فعلی روی فعل ظاهر می‌شوند.

جمع		فرد		شمار شخص
خوردیدم	xær-mp eat.PST-1PL	خوردم	xærd-aem Eat.PST-1SG	اول شخص
خوردید	xær-tø eat.PST-2PL	خوردي	xærd-et eat.PST-2SG	دوم شخص
خوردند	xær-ʃø eat.PST-3PL	خورد	xærd-ej eat.PST-3SG	سوم شخص

جمع	فرد	شمار شخص
mp/me	æm /m	اول شخص
ta/te	t /et	دوم شخص
ʃø/ʃe	eʃ/ ej/ʃ/j	سوم شخص

۱. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان فاعلی

در مثال‌های زیر، فاعل جمله میزبان واژه‌بست فاعلی است و ممکن است از نوع ضمیری یا واژگانی (اسم خاص یا اسمی دیگر) باشد.

۱. من کتاب را به مریم دادم.

Me=m ketvəb=æ dø æ mærjæm
I = 1SG book=RA give.PST to Mary

۲. احمد می‌خواست به سفر برود.

ahmed-ej mi boʃʊ sæfær
Ahmad want .3SG go.3SG travelling

۳. آیا شما غذا خورداید؟

mej ʃɔma=tɑ qæza xærd-e
If you=2PL food eat.PST-PRF

در جملات دارای فاعل غیرجاندار نیز واژه‌بست فاعلی به فاعل متصل می‌شود؛ یعنی جانداری و بی‌جانی در این گوییش در گزینش میزبان تأثیری نمی‌گذارد.

۴. گرگ مرغ را برد.

gɔrg=ej mɔrq=æ bø
wolf=3SG hen=RA take away.PST

۵. او دو برادر داشت.

?ʊ=j (?ʊ=j) dø berør bi
He/she=3SG two brother have.PST

۲. واژه‌بستهای فاعلی با میزبان مفعول غیرصریح

در این مثال‌ها، مفعول غیرصریح میزبان واژه‌بست فاعلی است. در مثال ۶، اسم خاص که متمم جمله است، میزبان واژه‌بست مفعولی است:

۶. برای مریم پیراهن خریدم.

se	mærjæm=æm	lebɒs	esse
for	Mary=1SG	Clothes	buy.PST

در دو مثال ۷ و ۸، ضمیرهای تو و شما میزبان واژه‌بست مفعولی هستند.

۷. با تو کار داشت.

te=j	kɔr	bi
you.DAT=3SG	work	be.PST

۸. مردی که با شما صحبت می‌کرد، معلم است.

Mærd-i	ke	dime	ʃɔmp=je	hærf	mize	məæləm=i
Man-a	which	to	you=3SG	talk	hit.PST	teacher=is.3SG

۳. واژه‌بستهای فاعلی با میزبان مفعول صریح

در مثال‌های این بخش، مفعول صریح میزبان واژه‌بست فاعلی است. این مفعول صریح ممکن است از مقوله واژگانی (مثال ۹ و ۱۰) یا ضمیری (شخصی، اشاری) باشد (مثال‌های ۱۱ و ۱۲).

۹. دیروز غذا می‌خوردم.

dig	qæzv=m	miχæ
yesterday	food=1SG	eat.PST

۱۰. علی بود که کتاب را به زهرا داد.

æli	bi	ke	ketvب=ej	dv	zærv
Ali	be.PST.2SG	that	book=3SG	give	Zahra

۱۱. آن‌ها را نصیحت کردیم.

?æ	ʊʃo=mɔ	næsihæt	ke
RA	they=1Pl	advise	do.PST

۱۲. در فکرش این را می‌گفت.

te	fekr=ej	?i=je=ʃ	mi-ց
in	thought=his/her	this=RA=3SG	PROG-tell.PST

۱۲. ماست من را چرا ریختی؟ (کلابسی، ۱۳۸۸: ۱۵۶)

mass=e	me=t	si	tʃe	rix?
yogurt=EZ	my.GEN=2SG	for	what	pour.PST?

۱۴. کتابی را که دیروز خریدم، هدیه دادم.

ketvبi=m	ke	dig	esse	hædjæ=m	dv
book=1SG	which	yesterday=1SG	buy	gift=1SG	give

در جمله‌های متعددی، اولویت میزبانی با فاعل است و واژه‌بست از بین موضوعات فعلی، یعنی

فاعل و مفعول، فاعل را به عنوان میزبان انتخاب می‌کند؛ مانند مثال‌های زیر:

۱۵. من غذا خورده‌ام.

mæ=m qæzɒ food χærð-e eat-PRF bi be.PRS.3SG

۱۶. علی کتاب را به زهرا داد.

æli=ʃ ketpb dø zærv Ali=3SG book give .PST Zahra

در مثال زیر، نشانه مفعولی «را» میزبان واژه‌بست فاعلی است.

۱۷. آن را خورد.

?ɔn=æ=j χæ That=RA=3SG eat.PST

در صورت جمع بودن مفعول، واژه‌بست فاعلی پس از علامت جمع می‌آید؛ مانند مثال زیر:

۱۸. سیب‌ها را از درخت چیدند.

sib-ɒ=ʃɪ apple-PL=3PL æ deræχ from tree tʃi pick.PST

۴. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان قیدی

در مثال‌های زیر، قید جمله میزبان واژه‌بست فاعلی است.

۱۹. کتابی را که دیروز خریدم، هدیه دارم.

ketpb-i book-INDF ke which diga=m yesterday=1SG esse , hædʒæ=m dø buy gift=1SG give

۲۰. دیروز غذا می‌خوردم.

dig=æm yesterday=1SG qæzɒ food miχæ eat

۲۱. کاش از همان اول، حقیقت را به او گفته بودم.

kvʃki æz ævælæ=m first=1SG hæqiqæt æ u cote bi I wish from first=1SG truth to him/her tell PRT.PST
yevqʃ=æm ave
slowly=1SG bring.PST

۵. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان جزء غیرفعالی فعل مرکب

۲۲. توضیح دارند.

tɔzi=ʃɪ explain=1SG dø give

۲۲. پیدا کردی.

pejdɒ=t find=1SG kæ do.PST

۶. واژه‌بستهای فاعلی با میزبان پیشوند استمراری

۲۴. می‌بستم.

mi=m-bæs
PROG=1SG-close.PST

۲۵. کاش می‌توانستم برایش کاری بکنم.

kɔʃki mi=m-tunes kɔri si=ʃ bɔ-kɔn-æm

۷. واژه‌بستهای فاعلی با میزبان ضمیر پرسشی

۲۶. چقدر پول با خودت آورده‌ای؟

tʃeqæde=t pil dim=e ʃɔ=t bværd-e?
How much=2SG money with-EZ yourself=your.GEN bring.PRS-PRF

۸. واژه‌بستهای فاعلی با میزبان ضمیر مبهم

۲۷. کسی مرا صدا کرد؟

kæsi=ʃ bɔŋg=em ze?
Anybody=3SG call=me.ACC do.PST

۹. واژه‌بستهای فاعلی با میزبان مسد

در جمله زیر، مسد از مقوله حرف اضافه است.

۲۸. چقدر پول با تو هست؟

tʃeqæde pil dim=e=t hæj?
Howmuch money with=EZ=2SG be.3SG.PRS

۱۰. واژه‌بستهای فاعلی با میزبان پیشوند نفی فعلی

۲۹. نخوردہ بودم.

næ=m-χærd-e bi
NEG=1SG-eat.PST-PRF be.PST

۳۰. نخوردم.

Næ=m-χærd-e
NEG=1SG-eat.PST

در صورت وجود مفعول در جمله، واژه‌بست به مفعول می‌چسبد، نه به پیشوند نفی؛ مانند جمله

زیر:

۳۱. غذا نخوردہ بودم.

qezi=m næ-χærd-e bi
food=1SG NEG-eat.PST-PRF be.PST

همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، اولویت میزبانی با فاعل است و در صورت وجود فاعل، مفعول، فعل مرکب و پیشوند نفی، واژه‌بست به فاعل متصل می‌شود؛ مانند مثال‌های زیر:

۳۲. من غذا نخوردہ بودم.

me=m qæzv næ-χærd-e bi
I.NOM=1SG food NEG-eat.PST-PRF be.PST

.۳۳. من مطالعه نکردم.

me=m mətple?e næ-ke
I=1SG study NEG-do.PST

۱۱. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان واژه‌بست اضافی

.۳۴. مرد قصاب چاقویش را تیز کرد.

qæssɒb kɒrde=fə=ej tiz kæ
butcher knife=his/her=3SG sharp do.PST

.۳۵. برای بچه‌ام می‌گفتم.

si betʃæ=m=æm mi-əʊ
for child=my=1SG PROG-tell.PST

.۳۶. پوش را دادم.

pil=eʃ=æm də
money=his/her=1SG give.PST

۱۲. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان واژه‌بست مفعولی غیرصریح

.۳۷. با تو کار داشت.

kɒr=et=ej bi
work=you=3SG be.PST

۱۳. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان واژه‌بست مفعولی صریح

.۳۸. من را صدا کرد.

bɒnɡ=em=ej zə
call=me.ACC=3SG do.PST

۱۴. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان صفت مفعولی

در فعل‌های زمان ماضی بعید و ماضی نقلی، صفت مفعولی میزبان واژه‌بست‌های فاعلی است.

.۳۹. گفته بودم.

gəft-e=m bi
tell.PST-PRF=1SG be.PST.3SG

۱۵. واژه‌بست‌های فاعلی با میزبان فعل کمکی خواستن

.۴۰. می‌خواهید بروید.

mi-t=tə bə-ʃə
PROG-want.PRS=2PL SUBJ-go.PRS

.۴۱. می‌خواستم بروم.

mi=m-χas bə-f-æm
PROG-1SG-want.PST SUBJ-go.PRS-1SG

۵-۲. واژه‌بستهای مفعولی صریح

۱. واژه‌بستهای مفعولی صریح با میزبان پیشوند امری یا پیشوند فعل پیشوندی

۴۲. ببرش.

be=j-be

IMP=him/her.ACC-take

۴۳. نبرش.

næ=j-be

NEG.IMP=him/her.ACC-take

۴۴. او را برمی‌گردانیم.

væ=ʃ-me-gærdan-im

back=him/her.ACC-PROG-bring.PRS-2PL

۲. واژه‌بستهای مفعولی صریح با میزبان جزء غیرفعلی فعل مرکب

۴۵. مرا صدا کرد.

bɒŋg=em=ej ze

Call=me.ACC=3SG hit.PST

۴۶. کسی مرا صدا کرد؟

kæsi=ʃ bɒŋg=em ze?

Anybody=3SG call=me.ACC do.PST

۳. واژه‌بستهای مفعولی صریح با میزبان پیشوند استمراری

۴۷. می‌بینم.

mi=ʃ-bin-æm

PROG=him/her.ACC-see.PRS-1SG

۴۸. تو را می‌بندم.

mi=t-bænd=æm

PROG=2SG-close.PRS=1SG

۴. واژه‌بستهای مفعولی صریح با میزبان فعل

۴۹. مرد سر کوزه را گرفت و آن را روی کولش نهاد (کلاباسی، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

mærð=ej sær=e kuze=je gerð vð nehad=ej ri

man=3SG top=EZ jug=RA take.PST and put.PST=that.ACC on

kol=ej

shoulder=his.GEN

همان‌طور که می‌بینیم، در این جمله، واژه‌بست مفعول صریح به فعل نهادن متصل شده است. این

مثال به فارسی معاصر گفتاری شباهت دارد. برای نمونه، در فارسی گفتاری ممکن است گفته شود

«گذاشتش روی زمین» که در این جمله، واژه‌بست مفعولی صریح به فعل متصل شده است.

۵. واژه‌بست‌های مفعولی صریح با میزبان پیشووند نفی

۵۰. تو را نمی‌بینم.

næ=t-me-bin-əm
NEG=you.ACC-PROG-see.PRS-1SG

۳-۵. واژه‌بست‌های مفعولی غیرصریح

در این بخش، نمونه‌هایی را ذکر می‌کنیم که واژه‌بست‌ها در آن‌ها با توجه به معنا نقش مفعول غیرصریح را ایفا می‌کنند.

۱. واژه‌بست‌های مفعولی غیرصریح با میزبان مفعول صریح

۵۱. من دو قران به تو می‌دهم (کلباسی، ۱۳۸۸: ۱۵۵).

mɔ də ɡorɔf=et mi-d-æm
I two dollar=you.DAT PROG-give.PRS-1SG

۲. واژه‌بست‌های مفعولی غیرصریح با میزبان پیشووند استمراری

۵۲. به او می‌گفتی.

mi=ʃ-g-æ
PROG=him.DAT-tell.PRS-2SG

۳. واژه‌بست‌های مفعولی غیرصریح با میزبان فعل

۵۲. به او گفته بودم.

gɔft-əm=eʃ bi
tell.PST-1SG=him/her.DAT be.PST

۴-۵. واژه‌بست‌های اضافی

اسم (مضاف) و ضمیر انعکاسی میزبان اصلی این واژه‌بست‌ها در ترکیب‌های اضافی هستند. همان‌طور که در ادامه می‌بینیم، ساختار واژه‌بست‌های اضافی در بهبهانی و فارسی معاصر مشابه و مشترک است و نقطه اشتراك نظام واژه‌بستی بهبهانی و فارسی معیار، همین واژه‌بست‌های اضافی هستند.

جمع	فرد	
emu:n	əm /m	اول شخص
etu:n	et	دوم شخص
eʃu:n	ɛʃ /ʃ/ ej	سوم شخص

۱. واژه‌بست‌های اضافی با میزبان مفعول

۵۴. پشت سرت را نگاه کن.

pɔʃt=e ser=et seil kən
backof=EZ head=your.GEN look do.2SG.IPM

۲. واژه‌بستهای اضافی با میزبان متهم

۵۵. مطابق نظر استادم عمل کردم.

Tebq=e næzær=e essp=m æmæl ke
according to=EZ opinion=EZ professor=my.GEN work do

۵۶. پیرتر از پدرش.

pir-ter=e bə=vʃ
old-e=than father=his/her.GEN

۳. واژه‌بستهای اضافی با میزبان فاعل یا نهاد

۵۷. مدادش زیر میز افتاد.

mædɒd=ej zir=e miz əftəd
pencil=his/her under=EZ table fell.3SG
book=him/her tear become.PST.PASS

۵۸. پسرت کی از مدرسه به خانه می‌آید؟

pəs=et tʃegæ æ mædresæ mi?
son=your.GEN when from school come.PRS.3SG

۴. جایگاه واژه‌بستهای ضمیری گویش بهبهانی

با بررسی دقیق مثال‌ها و نمونه‌های متعددی که بخشی از آن‌ها را در بخش‌های پیشین مطرح و بررسی کردیم، نتیجه می‌گیریم که بیشتر انواع واژه‌بستهای گویش بهبهانی (فاعلی، مفعولی صریح و غیرصریح و اضافی) به ظهور در جایگاه دوم تمایل دارند؛ یعنی بعد از اولین واژه (آوایی یا واژگانی) یا بعد از اولین سازه در بند.

در ادامه، نمونه‌هایی از ظهور واژه‌بست در جایگاه دوم پس از اولین واژه آوایی یا واژگانی را می‌آوریم:

من کتاب را به مریم دادم.

Me=m ketɒb=æ dɒ æ mærjæm
I = 1SG book=RA give.PST to Mary

احمد می‌خواهد به سفر برود.

ahmed-ej mi bʊʃʊ sæfær
Ahmad want .3SG go.3SG travelling

می‌بستم.

mi=m-bæs
PROG=1SG-close.PST

• چقدر پول با خودت آورده‌ای؟

tseqæde=t pil dim-e χօ=t þværd-e?
How much=2SG money with-EZ yourself=your.GEN bring.PRS-PRF
بپرس.

be=j-be
IMP=him/her.ACC-take

او را برمی‌گردانیم.

væ=j-me-gærdan-im
back=him/her.ACC-PROG-bring.PRS-2PL

در نمونه‌های زیر هم واژه‌بست به اولین سازه (صفت اشاره و اسم، گروه حرف‌اضافه‌ای و گروه اضافی) متصل شده است:

آن مرد کتاب را خرید.

?o mærd-æ-j ketþb esse
that man-DEF=3SG book buy.PST

به تو دروغ گفته است.

dim-e te=j dɔrɔ kerd-æ
to-Ez you=3SG lie make-PRF.PST

در فکرش این را می‌گفت.

te fekr=ej ?i=je=j mi-ðɔ
in thought=his/her this=RA=3SG PROG-tell.PST

ماست من را چرا ریختی؟

mass=e me=t si tʃe rix?
yogurt=EZ my.GEN=2SG for what pour.PST?

در موارد انگشت‌شماری مانند دو مثال زیر، امكان ظهور واژه‌بست در دو جایگاه وجود دارد؛
يعنى پس از اولین واژه یا دومین واژه. ممکن است دلیل این اتفاق، کاربردشناختی باشد؛ یعنی در
صورت دوم که واژه‌بست به‌جای فاعل به مفعول و یا قید زمان متصل شده است، گوینده بر آن
سازه تأکید بیشتری داشته است.
مرد قصاب چاقویش را تیز کرد.

qæsspəb=ej kɔrd=ej tiz ke
butcher=3SG knife=his/her sharp do.PST

همان‌طور که می‌بینیم، این جمله به صورت زیر هم کاربرد دارد؛ یعنی واژه‌بست فاعلی می‌تواند به
مفعول متصل شود. گفتنی است که در جمله بالا تأکید بر قصاب است؛ ولی در جمله زیر تأکید بر
کارد است. بنابراین، این دو جمله تفاوت کاربردشناختی دارند.

qæsspəb kɔrde=j=ej tiz kæ
butcher knife=his/her=3SG sharp do.PST

کتابی را که دیروز خریدم، هدیه دادم.

ketbi=m ke dig esse hædjæ=m dv
book=1SG which yesterday=1SG buy gift=1SG give

در ساخت زیر که صورت دیگر مثال بالا است، واژه‌بست فاعلی از جایگاه دوم به جایگاه سوم آمده است. گفتنی است که در این دو جمله نیز یک بار تأکید گوینده بر کتاب و بار دوم بر قید زمان (دیروز) است و به همین ترتیب، واژه‌بست نیز به این عناصر متصل شده است.

ketbi=m ke dica=m esse , hædjæ=m dv
book-a which yesterday=1SG buy gift=1SG give

کتابی را که دیروز خریدم، هدیه دادم.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص شد، واژه‌بست‌های ضمیری در این گویش از نوع پس‌واژه‌بست هستند و چهار نقش فاعلی، مفعولی صریح، مفعولی غیرصریح و اضافی دارند. واژه‌بست‌های فاعلی در این گویش پانزده میزبان داشتند که از نظر نقش دستوری عبارت‌اند از: فاعل، مفعول صریح، مفعول غیرصریح، قید، جزء غیرفعالی فعل مرکب، پیشوند استمراری، ضمیر پرسشی، ضمیر مبهم، مسن، پیشوند نفی فعلی، واژه‌بست اضافی، واژه‌بست مفعولی غیرصریح، واژه‌بست مفعولی صریح و فعل کمکی خواستن. این میزبان‌ها از مقولات فعل، اسم، صفت، ضمیر (شخصی، اشاری و مبهم)، واژه‌بست، حرف اضافه، ضمیر پرسشی، پسوند تصریفی جمع و حرف نشانه «را» بودند. گفتنی است که در جمله‌های متعددی دارای فاعل و مفعول، اولویت میزبانی با فاعل است و واژه‌بست فاعلی به فاعل می‌چسبد. نکته دیگر این است که این واژه‌بست‌ها فقط در زمان گذشته به کار می‌روند.

میزبان‌های واژه‌بست‌های مفعولی صریح عبارت بودند از: پیشوند امری یا پیشوند فعل پیشوندی، جزء غیرفعالی (همکرد) فعل مرکب، پیشوند استمراری، فعل و پیشوند نفی. مفعول صریح و پیشوند استمراری میزبان واژه‌بست‌های مفعولی غیرصریح هستند.

از نظر جایگاه ظهور واژه‌بست نیز بیشتر انواع واژه‌بست‌های گویش بهبهانی (فاعل، مفعولی صریح و غیرصریح و اضافی) به ظهور در جایگاه دوم، یعنی بعد از اولین واژه (آوایی یا واژگانی) یا بعد از اولین سازه در بند تمایل دارند. البته در صورت تفاوت کاربرد شناختی بین اجزای جمله (تأکید گوینده بر یکی از اجزای جمله)، واژه‌بست به آن عنصر متصل می‌شود؛ حتی اگر در جایگاه دوم نباشد. این موضوع را در مثال‌ها نشان داده‌ایم.

شباهت اصلی نظام واژه‌بستی گویش بهبهانی با فارسی معیار در واژه‌بست‌های اضافی است.

ازنظر میزانگزینی و جایگاه، این دو گویش از فارسی در واژه‌بست‌های اضافی به صورت کاملاً یکسان عمل می‌کنند. در دو مورد، واژه‌بست‌های مفعولی صریح با میزان جزء غیرفعالی در فعل مرکب و همچنین با میزان فعل اصلی این دو گویش شباهت دارند و مواردی چون صدام کرد، صدات می‌کنم (واژه‌بست مفعولی صریح با میزانی جزء غیرفعالی) و مواردی چون گذاشتمش روی میز و خوردمش (واژه‌بست مفعولی صریح با میزانی فعل اصلی) در فارسی معیار، میان این مطلب هستند.

اصلی‌ترین تفاوت و نقطه افتراق این دو گویش در واژه‌بست‌های فاعلی است. در فارسی معیار، عنصری با عنوان واژه‌بست فاعلی وجود ندارد و شناسه‌های فعلی نقش مطابقه را در این گویش ایفا می‌کنند؛ درحالی که گویش بهبهانی گنجینه‌ای غنی از واژه‌بست‌های فاعلی با میزان‌های متعدد ازنظر نقش دستوری و مقوله دارد.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. tense-sensitive
2. agent clitics
3. genitive/ dative
4. phonological word
5. proclitic
6. enclitic
7. Functional Elements
8. Functional Morphology of Phrases
9. dual citizenship
10. macedonian

۱۱. فهرست نمادها و علائم اختصاری به کاررفته در مقاله:

نماد	توضیح نماد
-	پیوند واجی در وندافزاری
=	پیوند واجی در واژه‌بست‌افزاری
1PL	اول شخص جمع
1SG	اول شخص مفرد
2PL	دوم شخص جمع
2SG	دوم شخص مفرد
3PL	سوم شخص جمع
3SG	سوم شخص مفرد
ACC	مفعول مستقیم

DAT	مفعول غیرصریح
DEF	معرفه
EZ	کسره اضافه
FUT	زمان آینده
GEN	حال اضافی
IMP	وجه امری یا بای امر
INDF	نکره
NEG	تکوازهای نفی و نهی
PASS	مجھول
PL	تکواز جمع
PRF	زمان کامل
PROG	تکواز نمود استمراری
PRS	زمان حال
PST	زمان گذشته
RA	تکواز «را»
SUBJ	وجه التوانی
۱۲. از گویشوران محترم، خانم‌ها فرخنده نشاطی، بهنوش صادقی مقدم و سارا یوسفی و آقایان خیرالله محمدیان، عبدالهادی زمانی، صابر عسگری، بهزاد علیزاده و علی حقیبین که با صبر و حوصله و بیدریغ بنده را در این تحقیق یاری کردند، بسیار سپاسگزارم.	

۸. منابع

- ایزدی‌فر، راحله (۱۳۹۲). «نقش دوگانه پی‌بست‌های ضمیری در تاتی تاکستانی». *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی واژه‌بست‌ها در زبان‌های ایرانی*. صص ۲۰۱-۱۷۵.
- بدیعی، مرضیه و ملیحه رحیمی (۱۳۹۲). «بررسی پی‌بست‌های ضمیری در گویش جرقویه». *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی واژه‌بست‌ها در زبان‌های ایرانی*. صص ۳۰۳-۲۹۳.
- پورابراهیم، شیرین (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی واژه‌بست‌های ضمیری در گویش‌های دلواری و دشتی». *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی واژه‌بست‌ها در زبان‌های ایرانی*. صص ۲۲۱-۲۲۴.
- حسن‌دوست، محمد (۱۳۸۹). *فرهنگ تطبیقی- موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*. نو. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

- راستی بهبهانی، امین (۱۳۸۸). *گویش بهبهانی دستور صرفی، واژگان معمول*. تهران: طرح و اجرای کتاب.
- ——— (۱۳۹۱). «بهبهانی، گویش یا لهجه؟ بررسی ساختار صرفی فعل در زبان محلی بهبهانی». *فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران*. س. ۲. ش. ۳. صص ۶۱-۸۴.
- راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۹۱). «واژه‌بست‌های ضمیری در گویش رایجی آران و بیدگل». *نامه فرهنگستان، ویژه‌نامه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*. ش. ۱. صص ۱۶۱-۱۷۲.
- ——— (۱۳۸۸). «نگاهی رده‌شنختی به پی‌بست‌های ضمیری در زبان تاتی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. د. ۱. ش. ۱. صص ۱-۱۰.
- سبزعلی‌پور، جهاندوست و راحله ایزدی‌فر (۱۳۹۳). «نظام حالت‌نمایی در گویش تاتی خلخال». *جستارهای زبانی*. د. ۵. ش. ۴. صص ۱۰۳-۱۲۳.
- کلباسی، ایران (۱۳۸۸). *فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران*. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کریمی، یادگار (۱۳۹۱). «مطابقه در نظام کنایی (ارگتیو) زبان‌های ایرانی: رقابت واژه‌بست و وند». *پژوهش‌های زبان‌شناسی*. د. ۴. ش. ۲. صص ۱-۱۸.
- گرامی، شهرام (۱۳۸۵). «توصیف دستگاه فعل در گویش بهبهانی». *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ویژه‌نامه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی*. د. ۲۳. ش. ۱. صص ۸۰-۱۲۶.
- واحدی لنگرودی، محمدمهری و شیرین ممسنی (۱۳۸۳). «بررسی پی‌بست‌های ضمیری در گویش دلواری». *نامه فرهنگستان*. د. ۱. ش. ۳. ضمیمه گویش‌شناسی. صص ۶۴-۸۳.

References:

- Anderson, S.R. (2004). “Subject Clitics and verb-second in Surmiran Rumantsch.” *MIT Working Papers in Linguistics* 47. Pp.1-22.
- Anderson, S.R. (2005). *Aspects of the Theory of Clitics*. Oxford: Oxford University Press.
- Badi’ee, M. & M. Rahimi (2013). “Analyzing the pronominal clitics in Jarquyeh dialect”. *Proceedings of the First National Conference on clitics in Iranian Languages*. Pp. 293-303 [In Persian].
- Dixon, R.M.W. (2007) “Clitics in English”. *English Studies*. Vol. 88. No. 5. October 2007.Pp. 574 – 600.

- Gerami, Sh. (2006). "A description of verbal system in Behbahani dialect ". *Journal of Humanities and Social Sciences faculty, Shiraz University. Special issue on English language and Linguistics*. Vol. 23. Issue 1. Pp. 108-126 [In Persian].
- Gerlach, B. (2002). *Clitics between Syntax and Lexicon*. Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Haig, G. & F. Nemati (2013) "Clitics at the syntax-pragmatics interface: The case of delvari pronominal clitics". *ICIL5 Proceedings*. Bamberg.
- Halpern, A. (1995). *On the Placement and Morphology of Clitics*. Stanford: CSLI Publications .
- Hassan Dust, M. (2010). *Comparative Dictionary of new Iranian languages and dialects*. Tehran: Iranian Academy of Persian Language and Literature. [In Persian].
- Izadifar, R. (2013). "The dual role of pronominal clitics in Tati of Takestan." *Proceedings of the First National Conference on clitics in Iranian Languages*. Pp. 175-201 [In Persian].
- Kalbasi, I. (2009). *Descriptive Dictionary of Iran Language Varieties*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies [In Persian].
- Klavans, J.L.(1985). "The Independence of syntax and phonology in cliticization". *Language*. Vol. 61. No. 1.Pp. 95-120.
- Korn, A. (2009). "Western Iranian pronominal clitics". *Orientalia Suecana*. LVIII. Pp. 159-171
- Poor Ebrahim, Sh. (2013). "Comparative study of pronominal clitics in Delvari and Dashti dialects." *Proceedings of the First National Conference on clitics in Iranian Languages*. Pp. 221- 234. [In Persian].
- Rasekh Mahand, M. (2009). "A typological perspective on the pronominal clitics in Tati Language". *Journal of Linguistic researches*. Vol. 1. Issue 1. Pp. 1-10 [In Persian].
- Rasekh Mahand, M. (2012). " Pronominal clitics in the Raiji dialect of Aran o Bidgol." *Academy of Persian Language and Literature's quarterly. Special Issue on Iranian languages and dialects*. Issue 1. Pp. 161 -172 [In Persian].
- Rasti Behbahani, A. (2009). *Behbahani Dialect Morphology, Syntax, Vocabulary*. Tehran: Book's design and implementation publication [In Persian].

- ----- (2012), “Behbahani, a dialect or accent? An analysis of Behbahani verbal morphological structure”. *Local Iranian literature and languages Quarterly*. Vol. 2. Issue 3. Pp. 61-84. [In Persian].
- Russi, C. (2008). *Italian Clitics, an Empirical Study*. Berlin & New York: Mouton de Gruyter
- Sabzalipoor, J. & R. Izadifar (2014). “Case marking system in Tati dialect of Khakhal ”. *Journal of Linguistics inquiries*. Vol. 5. Issue 4. Pp. 103-123. [In Persian].
- Spencer, A. & A.R. Luis (2012). *Clitics, an Introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Vahedy Langrudy, M. M. & sh. Mamasani (2004). “An analysis of pronominal clitics in Delvari dialect.” *Academy of Persian Language and Literature's Quarterly*. Vol. 1. Issue 3. Dialectology Appendix. Pp. 83-64. [In Persian].
- Zwicky, A.M & G.K. Pullum (1983). “Cliticization vs. Inflection: English N'T”. *Language*. Vol. 59. No. 3. Pp. 502-513.
- Zwicky, A.M. (1985). “Clitics and Particles”. *Language*. Vol. 61. No.2.Pp. 283-305